irannewspaper.ir

• یکشنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۲ • سال بیست‌ونهم • شماره ۸۲۳۳
• اذان ظهر ۱۲/۱۰ • اذان مغرب ۱۹/۴۱ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۹ • اذان صبح فردا ۳/۱۹ • طلوع آفتاب فردا ۵/۰۱

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **مدیر مسئول:** محمدحسن روزی‌طلب
• **سردبیر:** حسام الدین برومند
• **معاون فنی:** محمدملاعلی‌اکبری
• **دبیران:** مصطفی عیوضی(سیاسی)
• مهدی مهرپور(اقتصادی)
• مصطفی وثوق‌کیا(فرهنگی)

• آزاده سهرابی(اجتماعی) • بنفشه غلامی(جهان)
• لیدا فخری(اندیشه) • محمدرضا عزیزی(گزارش)
• زهرا کشوری(زیست‌بوم) • سعید زاهدیان(ورزشی)
• مهدی کلهرنژاد(اجرایی)
• حجت حکیمی(صفحه‌آرایی)
• محسن جانی‌پور (ویراستاری) • ابوالفضل نسایی(عکس)

• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
• **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷(۰۲۱)
• **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

هله نومید نباشی که تو را یار براند
گرت امروز براند نه که فردات بخواند؟
در اگر بر تو ببندد مرو و صبر کن آنجا
ز پس صبر، تو را او به سر صدر نشاند
و اگر بر تو ببندد همه ره‌ها و گذرها
ره پنهان بنماید که کس آن راه نداند
دیوان شمس

سخن روز

حضرت زهرا(س):
خداوند عدالت را برای آرامش دل‌ها واجب کرد.
کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۳ ص ۵۶۸

نگاره

ایران سرای امید

حمید صوفی/ طراح و کارتونیست

فضای مجازی

بازنشر عکسی از سال‌های ابتدایی انقلاب درباره راهپیمایی مردم علیه تجزیه‌طلب‌ها، گلایه‌ای به بی‌توجهی ویرایشی نوشته‌های مرتبط با اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران و پیشنهاد حسن روح‌الامین به هیأتی برای استفاده از طرح‌های او، بخشی از مطالبی هستند که در مجازی امروز می‌خوانید.

عکس تاریخی از راهپیمایی علیه تجزیه‌طلب‌ها

صفحه تاریخ خبرگزاری ایرنا، عکسی از اوایل پیروزی انقلاب منتشر کرده و نوشته است: «راهپیمایی مردم علیه تحرکات گروهک‌های تجزیه‌طلب در کردستانات.» این عکس میدان فردوسی تهران را در سال ۱۳۵۸ به تصویر کشیده که عکاس آن نیز محسن شاندیز است.

گلایه‌ای به بی‌توجهی اتحادیه ناشران و کتابفروشان به رسم‌الخط فارسی

حسین جاوید، ویراستار نوشته است: «اگر سری به کانال اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران بزنید، می‌بینید کانال اتحادیه طباخان و فروشندگان کله و پاچه و سیرابی در برابر آن می‌تواند کاندیدای دریافت جایزه نوبل ادبیات باشد! نه می‌دانند نیم‌فاصله چیست، نه املای درست کلمات را رعایت می‌کنند، نه از کژتابی و مشکلات زبانی خبر دارند و نه حتی لای کتاب دستور زبان را باز کرده‌اند! امیدوارم گروه جدید و محترمی که بر کرسی‌های اتحادیه‌های ناشران و کتابفروشان تهران تکیه زده‌اند فکری به حال این موضوع بکنند. نوشته‌ها و اطلاعیه‌های رسمی اتحادیه ناشران در واقع ویترین صنعت نشر ما است و وای به حال ناشرانی که خودشان هم بلد نیستند چهار جمله بی‌غلط بنویسند و تازه می‌خواهند کتاب هم بدهند دست مردم!»

ادای احترام به علامه طباطبایی

وحید خضاب، شاعر و مترجم با انتشار تصویری از علامه‌طباطبایی نوشته است: «از می وضو گرفته‌ام و در جواب شیخ/ از چشم‌های مست تو برهان می‌آورم/ مؤمن نکرده بود مرا معجزات هم/ دارم ولی به چشم تو ایمان می‌آورم» در ادامه هم این‌طور آورده است: «از غزلی نذر نگاه «اقیانوس آرام»، علامه سید محمد حسین طباطبایی. اقیانوس آرام، نام کتابی است درباره علامه. کتاب را هنوز نخوانده‌ام، اما این نام، برازنده‌ترین نام برای او است.»

نوشته معززی‌نیا درباره «سوپرانوز»

حسین معززی‌نیا، مدرس و منتقد سینما درباره یکی از سریال‌هایی که به تازگی دیده این‌طور نوشته است: «با اینکه چند تا از سریال‌های مهم این روزها را ندیده‌ام، در یک تصمیم ناگهانی رفتم سراغ «سوپرانوز» تا بالاخره یکی از مهم‌ترین سریال‌های دیده نشده را ببینم. احساس اولیه‌ام شبیه خلاص شدن از کاری معوقه بود ولی کم‌کم وارد دنیایش شدم و گرفتار همان بلایی که سریال‌های درخشان سرآدم می‌آورند؛ معتاد به فضا و آدم‌ها، بدون امکان فرار از جذابیت دنیای تازه‌ای که کشف کرده‌ای. اگر ندیده‌اید بشدت توصیه می‌شود، اگر دیده‌اید، دو ویدیو درباره‌اش ساخته‌ام که در کانال یوتیوب من منتشر شده است. در اولی مقدماتی گفته‌ام و مشخصه‌های کلی سریال را مرور کرده‌ام، در دومی بحث را کامل کرده و پنج لحظه مورد علاقه‌ام را در سریال انتخاب کرده‌ام.»

پیشنهاد روح‌الامین به بانیان هیأت‌ها

حسن روح‌الامین، هنرمند نقاش نوشته است: «هنگامه سرودن ترکیب‌بند شد/ ای شاعران! دوات و قلم را بیاورید» خدا را شاکریم که در آستانه ماه عزای سیدالشهدا نفس می‌کشیم. بانیان هیئات و محافل حسینی مثل هر سال مشغول نوکری و برپاسازی خیمه‌های عزای ارباب هستند. در آستانه این ماه عزیز فایل‌های باکیفیت و قابل چاپ از نقاشی‌هایی را که در سال‌های قبل اجرا شد را داخل کانال تلگرام، بله و روبیکا قرار دادیم تا فرصت کافی برای چاپ و بهره‌برداری در هیئات وجود داشته باشد. منت بگذارید و از این کارها داخل هیأتتون استفاده کنید.»

نقل قول

مریم بحرالعلومی
کارگردان

موضوعات زنان را به سینماگران زن محول کنیم

آن توجهی که لازم بوده به زنان سینماگر، سینمای زنان و زنانی که برای زنان در تلاش برای فرهنگ‌سازی هستند نداشتیم و خوشحالم که جشنواره‌ای با موضوع توجه به حضور زنان در سینما داریم و امیدوارم پرقدرت به کار ادامه دهند. قطعاً موافقم که زنان موفق‌تر بودند. شاید همذات‌پنداری که زنان با هم و حمایت‌هایی که نسبت به هم دارند، سرمنشأ همین پاسخ باشد. می‌توان گفت احساس‌برانگیز بودن آثاری که زنان درباره زنان می‌سازند عامل موفقیت آنهاست که بهتر است موضوعات زنان را به سینماگران زن محول کنیم.

|بخشی از صحبت‌های این فیلمساز با ایرنا

یادداشت

جنگ سخت: جان
جنگ نرم: روان

الهام عابدینی
پژوهشگر روابط بین‌الملل

رئیس جمهور کشورمان هفته گذشته به سه کشور آفریقایی زیمبابوه، کنیا و اوگاندا سفر کرد. یکی از جالب‌ترین نکات این سفر برای من، حفظ بافت بومی و اختصاصی آن کشورها در آیین استقبال‌شان بود. به طوری که حتی اگر نمی‌دانستید این تصاویر برای کدام کشور است، بسرعت از روی نشانه‌هایی مثل لباس‌های سنتی استقبال‌کنندگان و رقص بومی‌شان می‌شد حدس زد. همچنین رئیس جمهور زیمبابوه در اقدامی جالب شالی به رنگ پرچم کشورشان دور گردن خود انداخته بود.

معمولاً در جلسات و نشست‌های بین‌المللی، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، برخی کشورهای آفریقایی و همچنین برخی کشورهای جنوب شرق آسیا مانند هند و اندونزی با لباس‌های بومی خود حاضر می‌شوند. به یاد دارم در یکی از همایش‌های بین‌المللی جوان سیاهپوستی دستبند خاصی به دست داشت و وقتی به او گفتم چه دستبند جالبی و آیا معنای خاصی دارد، برایم توضیح داد که این دستبند چه تاریخچه و معنایی در نیجریه دارد و همین کار ساده او باعث شده بود بسیاری در آن مراسم درباره دستبند و نیجریه بپرسند. این جوان به معنای واقعی کلمه سفیر کشور خود بود.

چند روز قبل یکی از افرادی که امسال سعادت تشرف به خانه خدا را یافته بود، تصویری منتشر کرد که در آن برخی کاروان‌ها با لباس متحدالشکل بومی کشور خودشان در آیین حج حاضر بودند. این تصاویر که بیانگر اتحاد در عین تکثر و تنوع بود، به فضا حال و هوای منحصر به فردی بخشیده بود.

با گذشت زمان و همه‌گیری رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی، جهانی شدن در معنای یکدستی فرهنگی روز به روز بیشتر می‌شود. تصویری که عموم مردم دنیا از لباس، غذا، چیدمان منزل و حتی شکل ساختمان‌سازی دارند تقریباً یکسان است. این موضوع شاید در ظاهر به همگرایی مردم دنیا کمک کند اما در واقع با نابودی خرده فرهنگ‌ها، رواداری را هم کم می‌کند. اینطور می‌شود که اگر امروز در خیابان‌های تهران فردی را با لباس بومی خود ببینیم یا حتی فردی با لهجه صحبت کند، تا حدی عجیب و شاید حتی نامقبول به نظر می‌رسد.

هرچند فرایند جهانی شدن اجتناب ناپذیر است و البته مزایای زیادی هم دارد، می‌توان با ارج نهادن به خرده فرهنگ‌های بومی از نابودی آنان و به کناره بردن اقلیت‌های قومی و فرهنگی جلوگیری کرد.

روزی ابزار جنگ، سلاح بود و جان می‌گرفت اما امروز ابزار جنگ بیش از همه رسانه است و روح بشریت را نشانه رفته است.

یادداشت

نمایش چالش‌های خانوادگی و اجتماعی نوجوانان در «نیکان»

جبارآذین
منتقد و مدرس سینما و تلویزیون

نگاه متعهدانه از منظر آسیب‌شناسی فردی و اجتماعی و خانوادگی به زندگی، فعالیت‌ها، مشکلات و نقش نوجوانان در خانواده‌های ایرانی و جامعه امروز از ویژگی‌های شاخص سریال تلویزیونی «نیکان» است که توانسته نظر و پیگیری خانواده‌ها و نوجوانان را با این سریال همراه کند.

مجموعه خانوادگی و اجتماعی «نیکان» ساخته علی سرآهنگ و تهیه‌کنندگی کامران مجیدی، این شب‌ها، بینندگان شبکه سه سیما را به تماشای خود نشانده است. این سریال روایتگر چند داستان و داستانک پیوسته خانوادگی است که نیاز، مشارکت، امید و فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی، آنها را در سطوح مختلف جامعه به یکدیگر پیوند می‌دهد. در این میان، نیکان دختر نوجوان و خوش‌قلب خانواده برای کمک به حل معضلات خانواده خود خواسته یا ناخواسته وارد میدان مبارزه با این مشکلات شده و به صف کارآفرینان ملحق می‌شود، ولی با چالش‌های متعدد اقتصادی، خانوادگی و اجتماعی روبه‌رو می‌شود، بویژه که یکی از اقوام به دلیل زیاده‌خواهی و ثروت‌اندوزی و درگیرشدن با قاچاقچیان و سوداگران داروهای تقلبی، برای خانواده نیکان، مشکلاتی ایجادکرده است.

سریال «نیکان» در مضمون و محتوا، رویکرد زنانه با سمت‌گیری نوجوانانه و دخترانه دارد. از همین رو، افزون بر واقع‌گرایی در بازنمایی درگیری‌های گوناگون نیکان و خانواده‌اش با موانع و بحران‌های اقتصادی، معیشتی و اجتماعی، به کالبدشناسی شخصیت‌های خانوادگی و اجتماعی نوجوانان از مسیر تأکید و تمرکز بر کاراکتر نیکان می‌پردازد که حرکت و اقدام معنایی و محتوایی پسندیده‌ای است. با این همه، «نیکان» هم مانند دیگر سریال‌های مشابه از فراز مشکلات اجتماعی و اقتصادی عبور می‌کند و وارد عرصه تحلیل مشکلات مرکزی سریال که با قاچاق دارو در کشور مرتبط بوده و معضلی بزرگ است، نمی‌شود و می‌کوشد عمدتاً با حل مسائل و کشاکش‌های نیکان و جهان، از کنار آسیب‌شناسی کامل و آگاهی‌بخش و هشداردهنده قاچاق و ساخت و توزیع داروهای تقلبی بگذرد و پا به بیراهه‌های وجود باندهای مختلف و ارتباط آنها با یکدیگر و سهم مهم برخورد نیروی انتظامی و خانواده‌ها با آنها نگذارد.

گرچه در همین حد هم، همت هنرمندانه سازندگان «نیکان» و تعهد آنها نسبت به آسیب‌شناسی رویدادها و مشکلات اجتماعی قابل تأمل است، ولی باید دانست که این اندازه و نمایش محدود مشکلات یاد شده، برای روشنگری اجتماعی و مسئولان کافی نیست. فیلمنامه بامحتوا و پرچالش «نیکان» را نسیم محمدی فارسانی و نسیم سیفی‌پور نوشته‌اند و در آن پژمان بازغی، سیما تیرانداز، بهنام تشکر و شقایق فراهانی بازی‌های خوبی ارائه کرده‌اند و نقش «نیکان» را یک چهره مستعد نوجوان «مه‌لقا می‌نوش» ایفا کرده است. «نیکان» حاصل توانایی‌ها و امتیازهای کاربلدی کارگردان، بازیگران و دیگرعوامل آن است و با آنکه می‌توانست با بهره‌گیری از روانشناسان و جامعه‌شناسان قوی‌تر باشد، ولی با بضاعت کنونی هم موفق شده نظر مساعد مخاطبان گسترده سیما و بخصوص همراهی و همدلی نسل نوجوان را جلب کند و در کنار سریال‌های مخاطب‌پسند و موفق خانوادگی رسانه ملی قرار گیرد. نکته آخر اینکه، تولید سریال‌هایی درباره زندگی، مسائل و دغدغه‌های نوجوانان، یک ضرورت اجتماعی و ملی است که باید به صورت جدی‌تر در دستور فعالیت شبکه‌های مختلف تلویزیون، جای گیرد و خانواده‌ها، جوانان و نوجوانان را بیش از پیش به رسانه ملی نزدیک کند.

عکس‌نوشت

مهرنوش به همراه خانواده درمنطقه ذلفی غربی استان لرستان به صورت کوچ نشینی زندگی می‌کند. او مثل دیگر دختران ساکن در این منطقه تا کلاس چهارم درس خوانده و بجز چندباری که به خانه مادربزرگش در الیگودرز سفر کرده با زندگی شهری آشنایی ندارد. او مسئولیت‌های مختلفی در زندگی روستایی و کوچ نشینی برعهده دارد و به اموری که به خانه‌داری و دامپروری مرتبط است رسیدگی می‌کند. مهرنوش که به واسطه تعریف‌های دخترعمه‌اش که در تهران زندگی می‌کند مشتاق و علاقه‌مند تجربه زندگی شهری شده با مسئولیت عمه و اجازه والدین چند روزی به تهران سفر می‌کند تا آرزوی دیرینه‌اش برآورده شود. ایرنا گزارش تصویری جالبی از تفاوت حضور او در فضای ییلاق و پایتخت منتشر کرده است. **عکس: فاطمه عابدی | ایرنا**

یادداشت

حجت‌الاسلام دکتر حسین بستان

تقابل حجاب و غریزه

یکم: حجاب کدام آزادی را محدود می‌کند؟ اگر می‌گوییم حجاب برای زنان و دختران لازم است، آیا به معنای این است که آزادی آنان را محدود کرده‌ایم؟ آیا حجاب مانعی برای آزادی است؟ اگر چنین است، محدودیت حجاب در چه مقوله‌ای است؟ حجاب، آزادی اندیشه را محدود می‌کند یا آزادی احساس و فعالیت اجتماعی را؟ یا آزادی غرایز را؟ اگر با انصاف باشید، اعتراف خواهید کرد حجاب، آزادی اندیشه را محدود نمی‌کند و شاید به عبارتی آن را رشد دهد و عاملی شود برای تبادل آزادتر اندیشه‌ها و رشد استعدادها. حجاب، آزادی فعالیت اجتماعی را نیز محدود نمی‌کند. چه بسیار بانوان محجبه و عفیفی که در رده‌های بالا و مسئولیت‌های مهم اجتماعی و مدارج عالیه تحصیلی ـ حتی در محیط‌های مردانه ـ حجابشان را حفظ می‌کنند و آزادانه چون مردان به فعالیت مشغولند. پس حجاب کدام آزادی را محدود می‌سازد؟ صراحتاً باید بگوییم آزادی غریزه را! و آن هم غریزه جنسی! در اینجا منظور از محدودیت، سرکوب نیست چرا که سرکوب این غریزه، خطرات و صدمات جبران‌ناپذیری به دنبال خواهد داشت.[۱]

> اگر با انصاف باشید، اعتراف خواهید کرد حجاب، آزادی اندیشه را محدود نمی‌کند و شاید به عبارتی آن را رشد دهد و عاملی شود برای تبادل آزادتر اندیشه‌ها و رشد استعدادها. حجاب، آزادی فعالیت اجتماعی را نیز محدود نمی‌کند

دوم: اگر رعایت پاره‌ای مصالح اجتماعی، زن یا مرد را مقید سازد که در معاشرت روش خاصی را اتخاذ کنند و طوری راه بروند که آرامش دیگران را برهم نزنند و تعادل اخلاقی را از بین نبرند چنین مطلبی را «زندانی کردن» یا «بردگی» نمی‌توان نامید و آن را منافی حیثیت انسانی و اصل «آزادی» فرد نمی‌توان دانست.[۲] امام خمینی(ره) می‌فرماید: «چنان موضوع آزادی زن را برای مردم مشتبه کرده‌اند که خیال می‌کنند اسلام آمده است که فقط زن را خانه‌نشین کند. چرا با درس خواندن زن مخالف باشیم؟ چرا با کار کردن او مخالف باشیم؟ چرا زن نتواند کارهای دولتی انجام دهد؟ چرا با مسافرت کردن زن مخالفت کنیم؟ زن چون مرد در تمام اینها آزاد است؛ زن هرگز با مرد فرقی ندارد. آری در اسلام زن باید حجاب داشته باشد ولی لازم نیست که چادر باشد، بلکه زن می‌تواند هر لباسی که حجابش را به وجود آورد اختیار کند. ما نمی‌توانیم و اسلام نمی‌خواهد که زن به عنوان یک شیء و یک عروسک در دست ما باشد، اسلام می‌خواهد شخصیت زن را حفظ کند و از او انسانی جدی و کارآمد بسازد.»[۳]

سوم: متأسفانه امروز برهنگی در جامعه جهانی تئوریزه می‌شود و زنان به فحشا تشویق و تربیت می‌شوند، زن، موجود شریفی را که مظهر جمال و امانت خداوند است از حریم الهی بیرون می‌کشند و او را تبدیل می‌کنند به کالای «صنعت پورن» که باید خدمات جنسی به مردان هرزه و وحشی خیابانی بدهد. زن به طور رسمی در کنار آب‌جو فروخته می‌شود، ابزار تفریح و تبلیغ برای کالاهای سرمایه‌داری می‌شود و به عنوان دفاع از حقوق و آزادی زن، کثیف‌ترین جسارت‌ها و اهانت‌ها به حقوق زن صورت می‌گیرد تا خود زن کم‌کم قبول کند که تو فقط جنس مؤنثی، فقط زنانگی و هویت جنسی تو مهم است، نه هویت انسانی تو و جامعه تو را فقط به عنوان یک مادینه و مؤنث به رسمیت می‌شناسد و همین که کم‌کم هویت جنسی‌ات برایم از بین برود، دیگر برایم ارزش انسانی نخواهی داشت. این پیام برهنگی اجتماعی است. پیام حجاب برای زنان عالم در این است که من انسانم و اگر هویت جنسی دارم، تنها برای همسرم دارم، درست برخلاف آنچه در جوامع برهنه تبیین می‌شود و زن را برای همه مردان جامعه می‌پندارد.[۴]

چهارم: دکتر الهه رستمی، استاد دانشکده مطالعات شرق‌شناسی و آفریقای دانشگاه لندن، درباره اجباری شدن حجاب بعد از انقلاب می‌نویسد: «به‌رغم مخالفت برخی زنان در سال‌های ۱۳۵۹ـ۱۳۵۷ علیه حجاب اجباری، بسیاری آن را قبول و تعدادی نیز از آن استقبال کردند. زنان طبقه متوسط و سکولار اعتراض‌هایی می‌کردند ولی چون در امنیت مالی بودند یا به دلیل آنکه وضع مالی بهتری داشتند و محدودیت‌های خانوادگی کمتر بر آنان اعمال می‌شد، خود را با آخرین مدهای روز از نظر مدل و رنگ مطابقت می‌دادند؛ هرچند در محل کار خود مجبور بودند اونیفورم (لباس رسمی و متحدالشکل) روپوش و مقنعه را بپوشند. برای نگارنده بسیار جالب بود وقتی از آنان می‌شنید که به رغم مخالف بودن با حجاب اسلامی، استفاده از این اونیفورم را راحت و مفید می‌دانستند. آنان عقیده داشتند این پوشش کج‌اندیشی‌های جنسیت‌گرایانه را کاهش داده بود.» همچنین ایشان در کتاب خود به نقل از یک خانم اشاره می‌کند؛ زهره مدیر یک لابراتوار شیمی توضیح می‌دهد: «من پوشیدن حجاب اسلامی را دوست ندارم. این اونیفورم زشت است و من از اینکه باید این را بپوشم ناراحتم ولی چون مردان نمی‌توانند جلوی امیال جنسی‌شان را بگیرند و به زنان به چشم عامل جنسی نگاه می‌کنند، چاره دیگری جز قبول این حقیقت ناگوار در جامعه نداشتم. دقیقاً به همین دلیل سرتا پایم را می‌پوشانم و تجربه به من نشان داده که در این حالت بیشتر مورد احترام هستم تا در سیستم قبلی. الان آنان مرا به عنوان محقق نگاه می‌کنند ولی قبلاً به چشم یک عامل جنسی نگاه می‌کردند.»[۵]

[۱]. زهرا زواریان، رایحه نجابت، ص۱۹ و ۲۰.
[۲]. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج۱۹، ص۴۴۷.
[۳]. صحیفه نور، ج ۴، ص۱۰۳ و ۱۰۴؛ برگرفته از: مجله فقه، ش ۵۱ و ۵۲، ص۱.
[۴]. حسن رحیم‌پور ازغدی، حجاب بهای عشق (گزیده‌ای از هشت سخنرانی ایشان در موضوع مسائل زن و حجاب)، تنظیم حامد قزوینی، ویژه‌نامه خاتون، ضمیمه رایگان روزنامه ایران، مرداد ماه ۱۳۹۰، ص۷۸.
[۵]. الهه رستمی، جنسیت، اشتغال و اسلام‌گرایی، ترجمه رویا رستمی، ص۹۶ و ۹۷.